

در دنیا هر ساله ۱۰ زبان می‌میرند

در دوران گذشته، زبان‌ها چه بسا در منطقه‌ی کوچک جدا افتاده‌ای شکوفا می‌شدند. اما این روزها کم‌آدمی پیدا می‌شود که در تماس مرتب با سایر مردم دنیا نباشد. [و] برای انسان‌هایی که می‌خواهند از تعامل‌ها و امکانات ارتباطی خویش [در سطح جهان] بیش‌ترین بهره را ببرند، مهم‌تر این است که حرف زدن به یک زبان بین‌المللی شناخته‌شده (مثل فرانسه، انگلیسی یا آلمانی) را بیاموزند؛ [تا زبان مادری خود را]. در نتیجه، مردم ممکن است متوجه نباشند که کودکان‌شان از یادگیری زبان مادری خود [به نحوی عمیق و کامل] بازمانده‌اند.

زبان‌ها ممکن است از راه مهاجرت از بین بروند؛ یا در مواردی که افراد از جماعات کوچک روستایی به مراکز شهری نقل مکان می‌کنند، یا وقتی محیط‌زیست یک جماعت به سبب کندوکاو نفتی یا چوب جنگلی نابود می‌شود. بلاهای طبیعی هم می‌توانند جمعیت‌ها و همراه با آنان، زبان‌شان را محو کنند؛ مثل گویش‌وران زبان «پائولوهی» در «مالوکو»ی اندونزی که تمامی‌شان در نتیجه‌ی زلزله و سونامی کشته شدند و فقط ۵۰ نفرشان باقی ماندند.

دولت‌ها هم برای پاسخ‌دهی به مسأله‌ی نابودی زبان‌ها توجهی برای خود دارند. نیاز پذیرفته‌شده‌ی کشورها به تثبیت زبان‌های رسمی که دولت با آن زبان بچه‌ها را آموزش دهد، امور سیاسی‌اش را اداره کند و کسب‌وکار کشور را راه بیندازد، تأثیری فاجعه‌بار بر روی خیلی از زبان‌های کوچک داشته است. تا دهه‌ی ۱۹۷۰، بومیان «آبورجین» استرالیا اجازه نداشتند به زبان‌های خودشان حرف بزنند. زبان‌هایی که زمانی بیش از ۴۰۰ تا بودند، حالا به قول کتاب «اطلس زبان‌های در خطر ناپدید شدن در دنیا»^۱، فقط در حدود ۲۵ موردشان هنوز هم بر زبان مردم بومی استرالیا جاری می‌شود.

وقتی زبانی محو می‌شود، چه چیزی از دست می‌رود؟ هستند کسانی که می‌گویند نابودی و محو زبان‌ها، صرفاً نشانه‌ای است از تکامل تدریجی گونه‌های بشری و معتقد اند در دنیایی که ارتباطات پرطرفدار و موردعلاقه است و در حال رشد است، یکنواخت شدن فقط تأثیر جانبی تکامل است [و نه چیزی بد].

اگر همه‌ی مردم دنیا به یک زبان واحد حرف می‌زدند فایده‌های بزرگی به دست می‌آمد؛ مثلاً استفاده از زبان انگلیسی توسط خلبانان و مأموران برج کنترل فرودگاه‌ها در صنعت حمل‌ونقل هوایی. اما معلوم است که مسائلی خیلی خیلی بیش‌تر از صرف راحتی ارتباط وجود دارد. وقتی زبان‌ها از بین می‌روند،

فقط یک لحظه فکر کن آخرین نفری هستی که به فارسی صحبت می‌کنی.^۱ هیچ آدم دیگری به زبان تو صحبت نمی‌کند. فایده‌ای هم ندارد که زبان فارسی را به بچه‌هایت یاد بدهی، چون در آینده هیچ کسی با آنها به آن زبان صحبت نخواهد کرد. تصور کن شکست و خسارتی را که حس می‌کنی. تمامی مفاهیم ترجمه‌ناپذیر زبان فارسی مثل «آفتاب لبِ بام»، «خانه‌به‌دوش» یا «آتش زیر خاکستر» - ناپدید می‌شوند. دیگر کسی باز هم «لالا لالا گل پونه» یا «بشنو از نی چون حکایت می‌کند» نخواهد خواند. تمامی آن سرخ‌های تیزبینانه‌ی تاریخ، فرهنگ و حافظه‌ی جمعی همگی محو می‌شوند.

در حدود ۶۰۰۰ زبان زنده در دنیا وجود دارد؛ و حداقل نیمی از آنها در خطر جدی‌اند. در هر بخشی از دنیا، زبان‌ها دارند ناپدید می‌شوند. در حقیقت خطر نابودی زبان‌ها بزرگ‌تر و بیشتر از خطر نابودی پرندگان و پستانداران است. در ۵۰۰ سال گذشته، ۴/۵ درصد زبان‌ها نابود شده‌اند.

از بین ۶ هزار زبان زنده، تنها حدود ۳۰۰ تا از آنها هستند که بیش از یک میلیون گویش‌ور دارند.^۲ این‌ها زبان‌های سالم و لطمه‌نخورده‌اند. از بین آن‌ها چینی ماندگارین، انگلیسی و اسپانیایی از همه بیشتر صحبت می‌شود. اما نیمی از زبان‌های جهان، تعداد گویش‌وران‌شان ۶۰۰۰ نفر یا کمتر از آن است. زنده ماندن آن زبان به همین تعداد اندک وابسته است.

زبان‌ها، مثل بسیاری دیگر از شکل‌های بیانی بشری، می‌آیند و می‌روند و برای هزاران مورد از زبان‌ها دقیقاً همین اتفاق هم رخ داده است؛ بدون اینکه هیچ ردی یا نشانه‌ای از وجود خود باقی گذاشته باشند. فقط تعداد انگشت‌شماری زبان مثل باسکی، یونانی، عبری یا لاتین هستند که بیش از ۲۰۰۰ سال عمر کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد که سرعت ناپیدی زبان‌ها هر روز بیشتر می‌شود. یونسکو مدعی است که میزان نابودی زبان‌ها حالا به ۱۰ زبان در سال رسیده است.

پایگاه اطلاعاتی اتنولوگ (یا قوم‌نگار)^۳ که اطلاعات تمامی زبان‌های موجود دنیا را دارد، مدعی است ۴۱۷ زبان آن قدر گویش‌وران اندکی دارند که می‌توان گفت در مراحل پایانی نابودی‌اند. لحظه‌ای خود را به جای این‌ها بگذارید: تنها گویش‌ور زنده‌ی زبان «لو» در کامرون؛ تنها سخن‌سرای بازمانده‌ی زبان «کلاما» در ایالت اورگون آمریکا؛ انگشت‌شمار آدم‌هایی که هنوز به زبان «سامی پیت» در سوئد و نروژ حرف می‌زنند. بسیار خوب! چه حسی به شما دست می‌دهد؟

تماماً مائوری زبان ثبت نام می‌کنند. مائوری زبان رسمی کشور نیوزلند هم هست.

زبانی را که مرده به حساب می‌آید، حتی ممکن است بتوان به زبانی شکوفا و پویا تبدیل‌اش کرد. زبان عبری در حدود سال ۲۰۰ میلادی در مقام زبان گفتگوی روزانه کنار گذاشته شد، اما یهودیان به عنوان «زبانی مقدس» به استفاده از آن ادامه دادند. در اواخر قرن ۱۹، جنبشی احیاگر به رهبری «الیازار بن یهودا» یک بار دیگر تبدیل عبری به زبان گفتگوی روزمره را به عنوان هدف خود در نظر گرفت تا زبانی مشترک باشد برای همه‌ی یهودیان. بن‌یهودا هزاران واژه‌ی تازه اختراع کرد و پیشگام کاربرد عبری در خانه و مدرسه بود. اکنون در فلسطین اشغالی (اسرائیل) بیش از ۵ میلیون نفر به عبری حرف می‌زنند.

به نظر می‌رسد بتوان گفت که جهان کم‌کم دارد می‌فهمد که در آستانه‌ی ازدست‌دادن چه چیزی است. یونسکو فعالانه در حال ارتقاء چندزبانگی است و لازم می‌بیند در کنار [بناهای تاریخی]، یادمان‌های سنتی و پارک‌های ملی، جنبه‌های ناپیدا و معنوی فرهنگ‌ها را نیز حفظ کند. «جوزف پات»^۶، رئیس بخش زبان‌های یونسکو، از ضرورت «سه‌زبانگی» حرف زده است: همگی ما باید بتوانیم به زبان مادری‌مان، به زبانی «همسایه» و زبانی بین‌المللی حرف بزنیم. حتی آموختن زبانی تهدیدشده در مدارس، می‌تواند سامانه‌ای نجات‌بخش خلق کند.^۷ به نظر می‌رسد که سرانجام ارزش زبان‌های مختلف انسانی در حال شناخته شدن است، و این نخستین گام در راه جلوگیری از فاجعه است.

تمامی شیوه‌های زندگی و مجموعه‌هایی از دانش ممکن است همراه با آنان از میان برود. مناسک پیچیده‌ی مذهبی و اجتماعی ناپدید می‌شوند و تاریخ‌های شفاهی به خاطر تکرارنشدن می‌میرند. اطلاعاتی که طی نسل‌ها در مورد گیاهان، جانوران و محیط‌زیست بومی هر منطقه به دست آمده‌اند، به نسل‌های بعدی منتقل نمی‌شوند. و غنای نعمت انحصاری بشر یعنی سخن گفتن، هرچه بیش‌تر کمرنگ‌تر و ضعیف‌تر می‌شود.

به بیان ساده‌تر، زبان بخشی از هویت ما را بازگو و آشکار می‌کند؛ و جایگاه ما در جهان را. «آنی رائوئی‌هی»، معلم مائوری^۵ جزیره‌ی شمالی در نیوزلند این موضوع را این‌گونه جمع‌بندی می‌کند: «اگر تو بزرگ شوی درحالی‌که به زبان خودت حرف نمی‌زنی، نخواهی دانست که چه کسی هستی.»

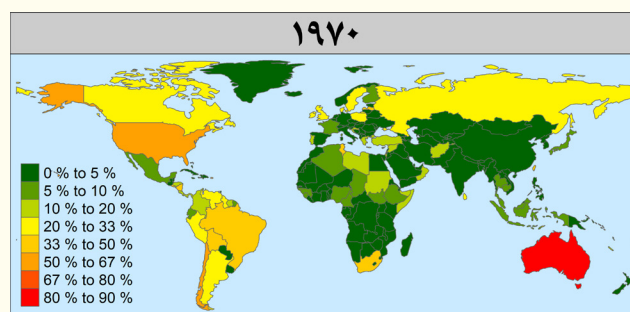
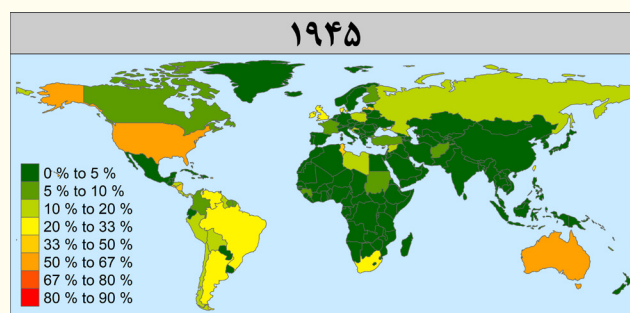
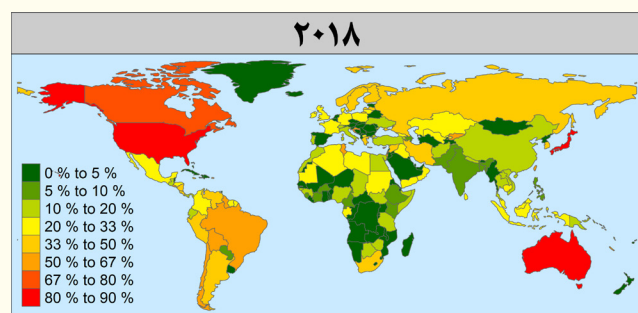
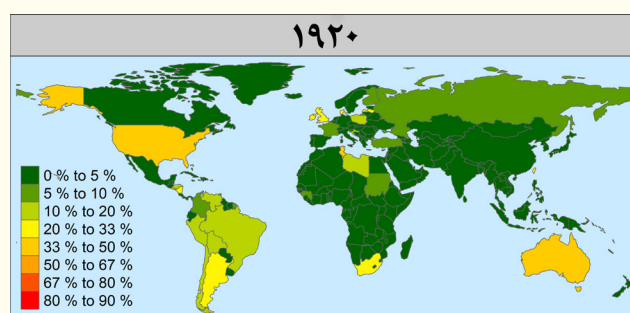
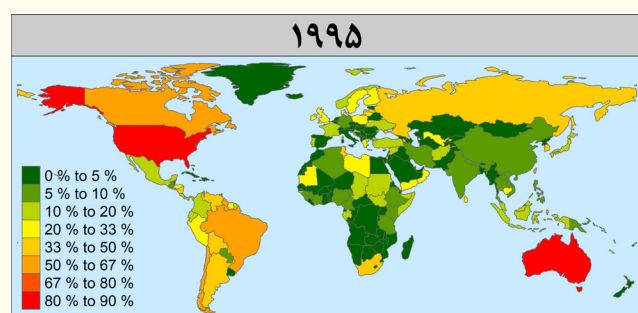
همین نیاز به احساس هویت و اتصال با گذشته‌ی خویش عاملی مهم بود در احیای زبان مائوری. مائوری زبان مردمان بومی نیوزلند است؛ زبانی که پیش از ورود مهاجران اروپایی زبان غالب آن سرزمین بود. اما [پس از مهاجرت سفیدپوستان بدانجا و مسلط شدن آن‌ها] تا اوایل قرن بیستم، کودکان در صورت حرف زدن به زبان مائوری در مدرسه تنبیه می‌شدند و مدارس معدودی آن زبان را تدریس می‌کردند. تا دهه‌ی ۱۹۸۰، کمتر از ۲۰ درصد مائوری‌ها آن قدر از زبان خود بلد بودند که بشود به آنها گویش‌ور بومی گفت، و بسیاری از افراد شهرنشین‌شده‌ی مائوری اصلاً تماسی با زبان و فرهنگ خود نداشتند. اما امروزه در نیوزلند از هر ۴ نفر یک نفر به زبان مائوری حرف می‌زند و در حدود ۴۰ درصد بچه‌های پیش‌دبستانی مائوری، در مدارس



معلم در حال آموزش زبان مائوری به کودکان نیوزلندی.

در اواخر نوجوانی یا اوایل دهه‌ی بیست زندگی خود هستند، حدود ۷۵ سال به آن زبان زندگی می‌بخشند. در طول سه نسل بعدی، تعداد گویش‌وران به شدت کاهش می‌یابد و آخرین نسل گویش‌ور مسلط، پدر و مادر و پدربزرگ و مادر بزرگ می‌شوند و در نهایت، آخرین نسل از سالخوردگان مسلط به زبان را تشکیل می‌دهند. با مرگ این سالخوردگان، زبان محکوم به نابودی یا فراموشی خواهد شد و تنها یک تلاش جدی و برنامه‌ریزی شده برای احیای مجدد آن می‌تواند زبان را از انقراض نجات دهد.

در نقشه‌های زیر میزان زبان‌های بومی در حال نابودی یا فراموش شده به درصد بیان شده‌اند. این نقشه‌ها قرن گذشته را در فواصل ۲۵ ساله نمایش می‌دهند و این بازه‌های ۲۵ ساله هر یک نشان‌دهنده‌ی چرخه‌ی زندگی یک نسل از بشر است. یک زبان زمانی فراموش می‌شود یا منقرض می‌گردد که دیگر کسی نتواند با آن صحبت کند. زمانی که آخرین نسل از کودکان یک قوم دیگر به زبان بومی خود صحبت نکنند، آن زبان محکوم به نابودی خواهد بود. وقتی آخرین گویش‌وران مسلط به یک زبان،



منابع:

- «۵۰ واقعتی که جهان را باید تغییر دهند» (۲۰۰۷)، جسیکا ویلیامز، ترجمه غلامعلی کشانی (ویرایش مصطفی ملکیان)، نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۸، صص ۲۴۹-۲۵۳ (فصل ۳۵: «هر ساله ۱۰ زبان می‌میرند»).

- <https://languageconservancy.org/language-loss/>

الگوی مصرف غربی یا به بیانی دیگر و شامل‌تر با حاکمیت مصرف‌گرایی جهانی بر رفتار عموم انسان‌ها در دورترین نقاط زمین، میزان استقبال از این قبیل پیشنهادها محل تردید است. پرسش این است که رعایت‌کنندگان این پیشنهاد چگونه می‌خواهند در برابر فشار سیل دائمی مصرف‌گرایی مقاومت کنند و زبانی را که دیگر استفاده‌ی اقتصادی ندارد، دوباره بر سر زبان انسان‌های مصرف‌زده ببندازند؟ این نظر می‌رسد بدون تغییر ارزش‌ها و چشم‌اندازهای انسانی، و بدون اصلاح سیستم‌های اقتصادی سرمایه‌سالاری که پیوسته در کار تشویق مصرف‌گرایی هستند نمی‌توان زبان‌های طردشده‌ای که اغلب دارای روحی معنوی و اخلاقی‌اند را زنده نگاه داشت.

۱) در متن اصلی کتاب: «به انگلیسی صحبت می‌کنی». به همین سیاق، جهت درک عمیق‌تر مساله، در ادامه نیز به عوض ضرب‌المثل‌ها و لالایی‌های انگلیسی، از معادل‌های فارسی آن استفاده شده است.

۲) گویش‌ور کسی است که به یک زبان سخن می‌گوید.

۳) Ethnologue

۴) Atlas of The World's Languages in Danger of Disappearing

۵) بومیان نیوزلند

۶) Joseph Poth

۷) یادداشت مترجم: با وجود دقت نظر کارشناسانه در این پیشنهاد و توصیه، عملی بودن یا غیرعملی بودن آن، مسأله‌ای است مهم: با حاکمیت